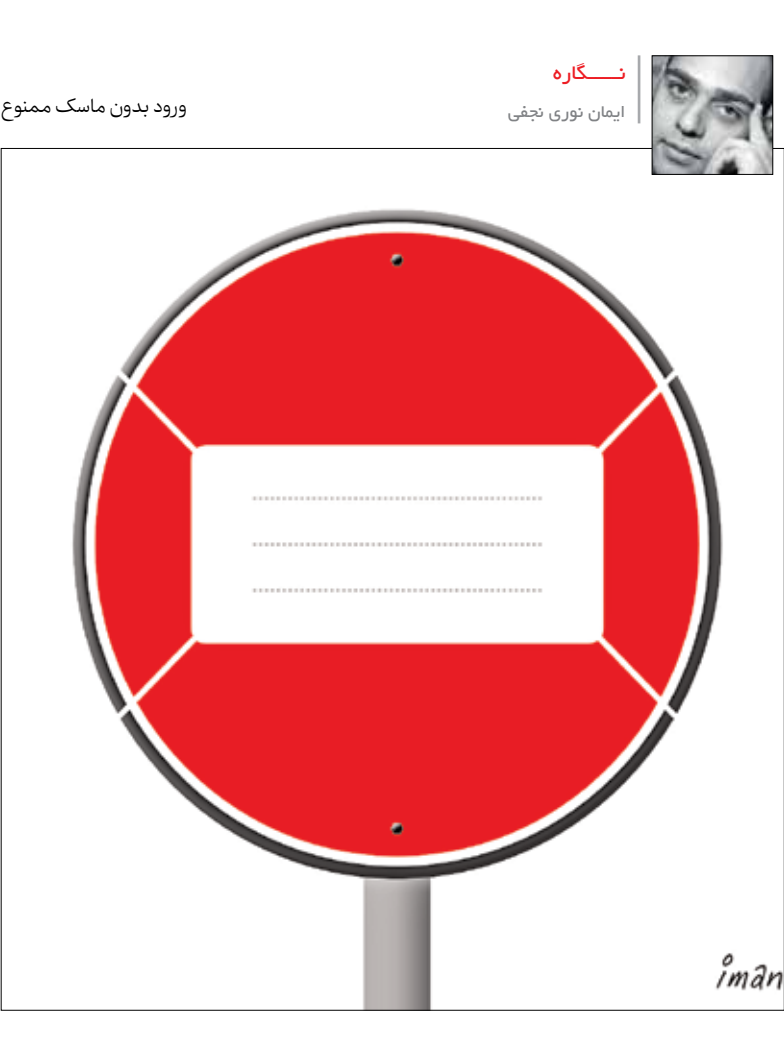


<div>تلفن: ۰۸۷۶۱۷۴۰۰ نمابر: ۰۸۷۶۱۱۴۵۶ ارتباط مردمی: ۰۸۷۶۹۰۷۵ پاکمک: ۰۴۵۱۲۱۳۰۴۵۱۱۳۰۰ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مصدوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۰۸۷۴۸۸۰۰۰</div>	
<div>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری</div>	
<div>سازمان آگهی‌های روز‌نامه ایران: دارنده گواهی‌نامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۶۴۸۸۹۲http://irannewsaper.ir</div>	
<div>آذان ظهر ۱۳/۰۲ آذان مغرب ۲۰/۳۵ نیمه شب شرعی ۰۰/۱۰ آذان صبح فردا ۴/۰۶ طلوع آفتاب فردا ۵/۵۰</div>	

<div><div> </div></div>	امام موسی کاظم (ع): کسی که مزه رنج و سختی را تجشیده، نیکی و احسان در نزد او جایگاهی ندارد.
سخن روز	بحارِ انوار، جلد۷۸، ص ۳۳۳



##استقلال

خبر استعفای دسته جمعی اعضای هیات مدیره باشگاه استقلال باعث شد طرفداران این تیم با نگرانی درباره تیم‌شان در شبکه‌های اجتماعی بنویسند.
بخصوص اینکه اعضای مستعفی هیأت‌مدیره در نامه به وزیر ورزش، اعتراض به حضور مددی به‌عنوان مدیرعامل را دلیل این استعفا اعلام کردند.
استقلالی‌ها هم از تغییر مدیرعامل تیم حمایت می‌کنند و به او انتقادهای زیادی دارند:
«جلسات هیأت مدیره استقلال: مددی هست، هیأت نیست. هیأت هست، حق امضا نیست. هیأت هست، حق امضا هست ولی خسته‌ان، هفته دیگه. همه بودن ولی متأسفانه جای نبود. جلسه برگزار شد ولی متأسفانه به جمع‌بندی نرسیدیم، هفته دیگه»،
«در حساس‌ترین زمان ممکن و در موقعی که باید با به لشکر بازیکن تمدید کنیم و تیم تقویت بشه برای آسیا، اعضای هیأت مدیره همگی استعفا دادن»،
«تمام اعضای هیأت مدیره استقلال استعفا دادن؟! استقلال مگه هیأت مدیره داشت؟ استقلال مگه مدیریت داره؟ استقلال هر سال داره به امید خور و غیرت و تعصب خود بازیکنابسته میشه. تنها نقش مدیریت و هیأت مدیره گذاشتن استوری تیکه دار و شکایت‌های بی‌نتیجه است»،
«خدای خیلی مسخره هست. هیأت مدیره نمیتونه مدیرعاملی که خودش انتخاب کرده رو برکنار کنه»،
«اگه منجر به عقب افتادن فروش سهام یا اخراج مددی میشه با هشتک

کبوتر صلح توی بشقاب

دیروز رستورانی یک پست اینستاگرامی از یک غذای خاص منتشر کرد که با انتقادهای فراوانی روبه‌رو شد، غذایی به‌نام «کبوتر رست شده با سس پرتقال و عسل».
تزیین این غذا و شکل آن و استفاده از پرهاي کبوتر باعث شد کاربران زیادی درباره‌اش بنویسند.
هرچند که کاربری در توضیحی درباره‌اش نوشت: «اول اینکه دره‌یج رستورانی در تهران سرو نمی‌شود و آشپز این مدل غذا، سرآشپز رستورانی در رشت است و در همان رستوران هم سرو نمی‌شود. دوم تعدادی غذا با تزیینات عجیب را برای سرو در رستوران و تعدادی را فقط برای عکاسی آماده کرده که واکنش‌ها چنان بود که رستورانی که سرآشپز آن است اجازه سرونداد».
اما این توضیح هم باعث نشد انتقاده‌ها به رستوران‌هایی که قصد جلب‌مشتری به‌هر شیوه‌ای دارند متوقف شود: «اینی که می‌بینید واقعاً داره توی یکی از رستوران‌های تهران سرو میشه. من هیچ...من نگاه...».
«فشتک یک کانسپت اگروتیک ضد صلحه. اگر اون چند پر سبزی که جلوی نوکش گذاشته شاخه زیتون فرض کنیم»، «به حسی بهم میگه این رستوران اگه خارج از کشور بود همه به دور میرفتن کلی استوری و فیلم و عکس هم میگرفتن که پرشوبدن»، «دیوونه خونه ارا انداختن! وحشیا! کبوتر؟ اونم با پر ؟»، «واقعاً چرا؟ کبوتر، خوتکدا، گنجشک و... بعد آخه با این طرز سرو!؟»، «حالا جدا از هدف اون رستوران این بشقاب واقعاً قابل تامله! -برگ زیتون (یا به چیز دیگه!) که تو



نرگس آبیار: هنرمند برای افزایش سطح سلیقه مردم باید ریسک کند

حضور جهانی آثار غیر قابل پیش بینی است، گاهی شده‌است که متنی را خوانده و گفته‌ایم که این فیلم همه‌جوایز را کسب می‌کند اما اتفاقی برایش رخ نمی‌دهد؛ از یک جایی شمامی توانید فاصله‌ای بین یک سینمای تجاری و سینمایی دیگر بگذارید، اما این عبارت فیلم‌های «جشنواره پسند» به‌نظم عبارت خنده‌دار و آسیب‌زننده است. ماسینمایی داریم که قرار است نگاهی ژرف داشته‌باشدو نوع دیگری از سینما را هم داریم که در سطح حرکت می‌کند؛ برخی آثار قرار است به جشنواره بیروند و مطرح شوند، اصلا گاهی در این جشنواره‌ها کشف می‌شوند. مابه‌عنوان هنرمندو مخاطب باید ریسک کنیم و سطح سلیقه مردم را بالا ببریم، گاهی از موضوعات سختی در فیلم‌ها استفاده می‌شود که فقط باعث فروش بالای می‌شود؛ به‌نظم این چیزها شکست معنوی برای ماست، بنابراین باید کمک کنیم ذائقه مخاطب را تقا یید کند.

بخشی از گفته‌های این کارگردان سینما در کارگاه جشنواره جهانی فجر /سایت جشنواره

جنون یک شیفتهٔ مصدق روی صحنه نمایش

تجربه بسیار متفاوتی است چون در این اثر، یکسره با اجرایی مدرن طرف هستیم و می‌شود گفت تجربه‌ای است علی‌حده از آنچه من تاکنون داشته‌ام.

برای این کار دو نویسنده در کنار من حضور داشتند و به‌عنوان دراماتولوژ صحنه به صحنه نمایش را بر اساس رمان می‌نوشتند و در نهایت آنها را با یکدیگر نهایی می‌کردیم.

در تئاتر ما چندین کار درباره دکتر مصدق ساخته شده که من برخی‌شان را دیده‌ام اما همیشه فکر کرده‌ام آن‌طور که باید و شاید و پسن‌دیده به این موضوع پرداخته نشده به همین دلیل هم روی صحنه بردن این کار برایم همیشه مهم بوده‌است و برای اجرای نقش دکتر نون و محمد مصدق هم چهره‌های شاخصی در ذهنم بوده که امروز وقتی با مهدی فخیم‌زاده صحبت می‌کنم، متوجه می‌شوم انتخاب درستی داشته‌ام و او حتماً می‌تواند در لایه‌های زیرین حضور داشته باشد و نقشش به جنون «دکتر نون» برسد یا صدراالدین زاهد هم واقعاً به لحاظ ظاهری و جنس بیانش شباهت‌های بسیار با مصدق دارد که البته من آنقدر به این مسأله فکر نکرده بودم.

از پیش و بیشتر، جنس بازی مد‌نظم بود اما این روزها و حین تمرین متوجه این شباهت‌ها شدم‌ام و بسیار خوشحالم، به هر صورت آنها که این رمان را خوانده‌اند، می‌دانند ماجرا تقریباً چیست.

دکتر نون یکی از عشاق و مریدان مصدق بوده‌است و از طرفی بسیار شیفته و عاشق رنش که در طی نمایش و بنابر دلایلی مجبور می‌شود علیه مصدق کارهایی بکند و حرف‌هایی بزند که این روند در نهایت او را به جنون می‌رساند و این، نمایش‌نامه‌ای‌است که اگر کرونا بگذارد، مردادماه روی صحنه خواهیم برد.



«ایده‌های شعری» مجموعه شعر تازه‌ای از «مراد فرهادپور» به تازگی از سوی نشر «ردپا» روانه کتابفروشی‌ها شده‌است. این نویسنده و مترجم که در عرصه روزنامه‌نگاری فرهنگی نیز از جمله چهره‌های شناخته شده‌است در این کتاب دو دفتر شعری اش را در اختیار علاقه‌مندان گذاشته. آن‌طور که در مقدمه کتاب آمده هر دو دفتر شعری که در قالب این مجلد منتشر شده‌اند پیش‌تر در فضای مجازی با عنوان ایده‌های شعری (۱) و ایده‌های شعری (۲) منتشر شده‌اند. شعرهایی که در این مجلد جای گرفته‌اند طی چهار دهه نوشته شده‌اند. فرهادپور در پیشگفتار کتاب در توضیح مختصری درباره چرایی سرایش هر یک از شعرها گفته، نقطه شروع هر یک از آنها یک فکر یا ایده‌ای بوده که از هزار و یک چیز دیگر سرچشمه گرفته‌است. از زنده شدن یک خاطره گرفته تا خواندن یک کتاب یا حتی ترجمه شعری از شاعری خارجی. او تأکید کرده شعرهای این مجموعه نه فقط ایده،

بلکه مهم‌تر از آن، فرم و زبان خود را بیش از هر چیز مدیون ترجمه‌اند و البته ناسازگاری، یا به بیان درست‌تر ناهماهنگی آنها نیز از همین امر ناشی می‌شود. اما در توضیح نکاتی درباره شاعر این مجموعه بد نیست بدانید مراد فرهادپور طی چهل سال گذشته نه تنها در کسوت شاعر، نویسنده و مترجم، بلکه در قامت روزنامه نگار نیز فعالیت کرده‌است. او آثار فیلسوفان و نویسندگان و شاعران بسیاری را به فارسی بازگردانده‌است. وی بویژه در عرصه شاعری‌اش، همواره

سعی در پرهیز از تقلید از دیگر شاعران داشته آنچنان که اغلب، ایده‌هایی متفاوت از دیگران را به روی کاغذ آورده‌است. آن‌طور که در معرفی کتاب هم آمده، فرهادپور در این مجموعه شعر علاوه بر شرح و بسط ایده‌هایش درباره شعر و شاعری، آن هم از پس سال‌ها کندوکاو در شعر جهان و ترجمه شاعران بزرگ ادبیات مدرن از «بودلر» تا «استیونس»، نظر‌گاه انتقادی اش به شعر معاصر فارسی را مطرح کرده و تلاش‌های شاعرانه خودش را نیز پیش روی علاقه‌مندان گذاشته و نوشته: «تقدیم به شاعرانی که می‌آیند».

■ **ایده‌های شعری**

■ **مراد فرهادپور**

■ **نشر ردپا**

اطلاع از کم و کیف سینمای جهان هم روی دانش و درک فیلمساز و هم روی مخاطب تأثیر دارد. چشم‌شان را به دنیای تازه‌ای باز می‌کند. اطمینان دارم اگر بخشی از همین فیلم‌هایی که در پلتفرم‌ها و سایت‌ها در دسترس است در سالن سینما با کیفیت مناسب به نمایش در می‌آمد بخشی از مخاطبان بخصوص علاقه‌مندان جدی سینما و نسل جوان ترجیح می‌داد آن را در سالن سینما و با کیفیت تصویر و صدای خوب ببیند. چون این فیلم‌ها برای پرده عریض سینما ساخته شده‌اند.

اساساً فیلم دیدن در سالن سینما تجربه‌ای متفاوت از تماشای فیلم در خانه‌است. سالن سینما همچنان اهمیت خودش را دارد. سینما رفتن جزو اسباب تفریح است. مردم دلشان برای فیلم دیدن جمعی تنگ شده‌است. مسأله فقط فیلم دیدن نیست. سینما رفتن آیین‌هایی دارد که از آن خاطره می‌سازد. با یک دوست و همراه قرار می‌گذاری، برای دیدن فیلم بلیت تهیه می‌کنید، ساندویچ و چیپس و پفک خرید. در سالن انتظار منتظر نمایش فیلم می‌مانید. ۴ نفر آدم می‌بنیید. در سالن تاریک همه ذهن و گوش و چشمتان بر قصه متمرکز می‌شود.

دریافت‌های شخصی‌تان را دم گوش دوست بغل دستی رزمه می‌کنید و موقع برگشتن به خانه با همراهمانان فیلم را در حد سواد و دانش خودتان تحلیل می‌کنید. این روزها برگزاری جشنواره جهانی فیلم فجر فرصتی برای همین تجربه‌است. اگر چه تأثیر و ارتباط‌گیری آن شاید به خاطر محدودیت‌های کرونا امسال محدودتر شده‌است. گاش وسعت بیشتری داشت و تعداد سالن‌های نمایش دهنده بیشتر بود. شنیده‌ام که امسال نسخه مرمت شده برخی آثار کلاسیک سینمای جهان از جمله «چهارصد ضربه» نخستین فیلم بلند فرانسوا تروفو، «کودکی ایوان» آندری تارکوفسکی و... به نمایش در می‌آید. خود من مشتاقم این فیلم‌ها را ببینم. امیدوارم این نمایش‌ها فقط مختص پردیس سینمایی چارسو نباشد. در سینماهای دیگر هم به نمایش در بیاید. هر تلاشی برای آشنایی نسل جوان با این نوع سینما جای تحسین دارد و برای ما که از آنها خاطره داریم تماشای دوباره نسخه با کیفیت آن جذاب‌است.



...

اما این اطمینان که انسان همیشه آن بوده‌است که هست، بی‌درنگ این امید را برمی‌انگیزد که همیشه هم همان نخواهد بود که هست.

مانده‌های ژمینی

آندره زید

سیروس ذکاء

نشر جامی

خاطره‌سازی

و خاطره‌بازی

برخی بر این باورند در دورانی که فیلم‌های روز جهان در دسترس است و می‌توان براحتی در خانه به تماشای بهترین‌های سینمای جهان آن هم بدون ممیزی نشست، دیدن آثار سینمای جهان در سالن سینما مقبولیتی ندارد. من بر خلاف این دسته معتقدم که اگران فیلم خارجی و تماشای فیلم‌ها در سالن سینما یک ضرورت است.

سینمای ایران نمی‌تواند به سینمای جهان بی‌تفاوت باشد. هم مخاطب و هم اهالی سینما باید با سینمای جهان ارتباط داشته باشند. باید فیلم‌های خارجی را در سالن سینما و با همان کیفیت نسخه اولیه ببیند.



یادداشت

...



هارون نبشاییان
تهیه‌کننده